

نظریہ های تئوریک
علامہ دکتر محمد اقبال لاہورے
در تبیین دامعہ آرمانے و
سبک زندگی مسلمانے



انتشارات
جهاد دانشگاهی
قزوین

سرشناسه: تسکین دوست، محمدنقی، ۱۳۳۴-
عنوان و نام پدیدآور: نظریه‌های تئوریک علامه دکتر محمد اقبال لاهوری
در تبیین جامعه آرمانی و سبک زندگی مسلمانی / تألیف محمدنقی
تسکین دوست.

مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین،
۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۴۹۴ ص.

شابک: ۳-۸۶-۸۷۸۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: اقبال لاهوری، محمد، ۱۸۷۷-۱۹۳۸-- نقد و تفسیر

موضوع: criticism and interpretation -- Iqbal, Muhammad, 1877 - 1938

موضوع: اقبال لاهوری، محمد ۱۸۷۷-۱۹۳۸م -- دیدگاه درباره انسان
(اسلام)

موضوع: Views on theological anthropology -- Iqbal, Muhammad, 1877 - 1938

موضوع: اقبال لاهوری، محمد، ۱۸۷۷-۱۹۳۸م -- دیدگاه درباره وحدت
اسلام

موضوع: Views on Islamic unity -- Iqbal, Muhammad

شناسه افزوده: سازمان انتشارات. واحد قزوین

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۷/۷۷ BP۲۳۳

رده بندی دیویی: ۲۹۴/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۸۱۰۰

عنوان: نظریه‌های تئوریک علامه دکتر محمد اقبال لاهوری؛ در تبیین
جامعه آرمانی و سبک زندگی مسلمانی
تألیف: محمدنقی تسکین دوست
طراح گرافیک و صفحه‌آرایی: مرضیه حمیدی زاده
شابک: ۳-۸۶-۸۷۸۶-۶۰۰-۹۷۸
چاپ: نوبت اول - بهار ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
بهاء: ۷۰۰۰۰۰ ریال

مصوبه شورای شعبه انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

۱۰	پیشگفتار
۸	زندگی اقبال به روایت جاوید امین
۹	۱- نسب اقبال
۹	۲- آموزش‌های ابتدائی اقبال
۱۰	۳- نصیحت پدر
۱۱	۴- ویژگی‌های شخصیتی اقبال
۱۲	۵- در جستجوی حقیقت
۱۴	۶- دو ملت در هند
۱۵	۷- اسلام و غرب
۱۵	۸- شیطان روی زمین
۱۶	۹- ملاقات با دو چهره‌ی علمی اروپا
۱۶	۱۰- دیداری با موسولینی
۱۷	۱۱- اذان اقبال در مسجد قُربیه
۱۸	۱۲- اقبال و سرزمین فلسطین
۱۸	۱۳- سختی معیشت
۱۹	۱۴- خلوت اُنس
۱۹	۱۵- دوران سخت بیماری
۲۰	۱۶- مرگ عارفانه

۲۰.....	۱۷- تشییع با شکوه
۲۱.....	۱۸- آخرین پیام
۲۳.....	فصل ۱؛ محور اندیشه و اهداف اقبال
۲۵.....	۱- چشمه‌ی استعداد درونی اقبال
۲۷.....	۲- اقبال و جهان نو
۲۹.....	۳- راه شب
۳۱.....	۴- تنها، انجم
۳۲.....	۵- سایه اقبال
۳۵.....	۶- دعای اقبال
۳۹.....	فصل ۲؛ شعر متعهد و شاعر فردا
۴۱.....	۷- رسالت شعر متعهد، رانی
۴۲.....	۸- ویژگی‌های شعری دیباچه اقبال
۴۶.....	۹- شاعران بی مسئولیت !!
۴۸.....	۱۰- کاروانی که متاع آن شعر و آگاهی است
۵۱.....	فصل ۳؛ فلسفه‌ی خودی
۵۳.....	۱۱- چرا تنوری خودی شکل گرفت؟
۵۶.....	۱۲- نقش خودی در آستانه هزاره سوم میلادی
۵۷.....	۱۳- اقبال و حلاج درد و مسیرولی بایک هدف
۵۹.....	۱۴- خود انکایی
۶۰.....	۱۵- ذات و کیفیت خودی
۶۲.....	۱۶- آثار و نیروی خودی
۶۳.....	۱۷- خودی و آرزو
۶۳.....	۱۸- عشق و خودی
۶۵.....	۱۹- خودی و در پیورگی
۶۷.....	فصل ۴؛ هبوط آدم
۶۹.....	۲۰- نبرد ابلیس با آدم
۷۰.....	۲۱- میلاد آدم
۷۱.....	۲۲- انکار ابلیس
۷۲.....	۲۳- اغوا و فریب آدم

۷۳.....	۲۴- آدم از بهشت بیرون آمده و به زمین هبوط می‌کند.....
۷۴.....	۲۵- صبح قیامت فرا رسیده است و آدم در حضور خداوند است.....
۷۵.....	فصل ۵: خواجه اهل فراق ، ابلیس.....
۷۷.....	۲۶- سیر در سیارات منظومه شمسی و گفتگو با ابلیس.....
۷۸.....	۲۷- نمودار شدن خواجه اهل فراق ، ابلیس.....
۷۹.....	۲۸- در ابلیس این مشخصات را دیدم :.....
۸۱.....	۲۹- ای آدم ، کاری کن که گناهانم اضافه نشود!!.....
۸۲.....	۳۰- ناله‌ی ابلیس.....
۸۳.....	۳۱- ابلیس پر زنده دل تسلطی ندارد!!.....
۸۵.....	فصل ۶: بینش و ساخت انسان.....
۸۷.....	۳۲- نگاه کن!.....
۸۸.....	۳۳- فکر روشن ، فکر صالح.....
۸۸.....	۳۴- افلاطون و فلسفه‌ی نفی.....
۹۰.....	۳۵- علم دل ، علم تن.....
۹۱.....	۳۶- وسعت عقل و هدایت توحید.....
۹۲.....	۳۷- در حریم عشق.....
۹۴.....	۳۸- عشق آسمانی تراز عقل است!!.....
۹۶.....	۳۹- انقلاب اسلامی با رهبری عشق پیش رفت.....
۹۶.....	۴۰- استواری زندگی به عشق و محبت است.....
۹۸.....	۴۱- مقام دل.....
۹۹.....	فصل ۷: انسان و حریت.....
۱۰۱.....	۴۲- انسان بخشی از تحولات عالم.....
۱۰۲.....	۴۳- آدمی ، سری از اسرار عشق.....
۱۰۳.....	۴۴- انسان و تاریخ.....
۱۰۴.....	۴۵- هجرت به مدینه نقطه‌ی عطفی در حیات مسلمانان.....
۱۰۶.....	۴۶- قطره و تیغ لا.....
۱۰۶.....	۴۷- (لا) شمشیری است برای نفی طاغوت‌های زمان.....
۱۰۸.....	۴۸- در حوادث روزگار خود را محک بزنید.....
۱۰۸.....	۴۹- تسخیر جهان.....

۵۰- جهان را شکار کنید و از طبیعت آن بهره مند شوید	۱۱۰
۵۱- حریت و آزادی لازمه انسانی است	۱۱۱
۵۲- حماسه کربلا ریشه استبداد را قطع نمود	۱۱۲
فصل ۸: اصول خودسازی و مبانی زندگی	۱۱۳
۵۳- کار و عمل	۱۱۵
۵۴- هر چه سریع تر وارد میدان عمل شوید!!	۱۱۶
۵۵- زمین، ضربان پی در پی لحظات روز و شب است	۱۱۷
۵۶- وقت و زمان جاوید است ولی خورشید جاوید نیست!!	۱۱۸
۵۷- دست جستجوی توانایی و اقتدار	۱۱۹
۵۸- خلاق بقدر حق به	۱۲۲
۵۹- خودسازی عبادی	۱۲۳
۶۰- چهار حالت نفس	۱۲۴
۶۱- با سلاح توحید بر ترس غلبه کنید	۱۲۴
۶۲- در مسیر حق به خودسازی پی دارید	۱۲۵
۶۳- مبانی زندگی	۱۲۶
۶۴- زندگی بر محور رشد و آزادی	۱۲۸
۶۵- تولید و خلاقیت محور اصلی زندگی است	۱۲۸
۶۶- بودن یعنی از جمال حق نصیب بردن	۱۲۹
۶۷- زندگی ارزشمند و مرگ با عزت	۱۳۱
۶۸- اگر خواهی حیات، اندر خطری!!	۱۳۳
۶۹- آن بخش از سختی‌های زندگی، نتایج شیرین تری در پی دارد!!	۱۳۳
۷۰- زندگی یعنی رفتن نه ماندن!	۱۳۴
۷۱- مانند خس زندگی نکن که گرمای حوادث روزگار ترا خواهد سوزاند!!	۱۳۴
۷۲- زندگی خنده است یا گریه!!؟	۱۳۵
فصل ۹: تأثیر متقابل فرد و ملت	۱۳۷
۷۳- ارتباط اسرار خودی با رموز بیخودی	۱۳۹
۷۴- فرد و جماعت	۱۴۰
۷۵- فرد از جماعت تأثیر می‌پذیرد	۱۴۰
۷۶- نقش و استحکام یک ملت	۱۴۱
۷۷- باید کشوری داشت!	۱۴۳

۷۸-روند شکل گیری یک ملت نوپا.....	۱۴۴
۷۹-همه موظف به تحکیم و تقویت ملت هستیم.....	۱۴۵
۸۰-ملت با حضور صاحب‌دلی متحول می‌شود.....	۱۴۷
۸۱-اوضاع زمانه‌ی مسلمین.....	۱۴۸
۸۲-در گذشته و حال چگونه ایم!!.....	۱۴۹
۸۳-اوضاع اسفبار مسلمین در آستانه قرن بیستم.....	۱۵۰
۸۴-تقلید و اجتهاد.....	۱۵۲
۸۵-در عهد انحطاط از پدران و سنت‌های گذشته خود تبعیت نمائید.....	۱۵۳
فصل ۱۰: روح یک ملت.....	۱۵۵
۸۶-آئین یک ملت.....	۱۵۷
۸۷-قرآن آئین و ملامت.....	۱۵۸
۸۸-اسرار شریعت محمدی.....	۱۶۱
۸۹-اسرار شریعت.....	۱۶۲
۹۰-راه عملی شریعت چیست؟.....	۱۶۳
۹۱-میراث‌داری بنی اسرائیل (امت مرسله).....	۱۶۵
فصل ۱۱: اصول وحدت جامعه اسلامی.....	۱۶۷
۹۲-طرح وحدت در اسرار و رموز خودی.....	۱۶۹
۹۳-اصول استحکام یک جامعه.....	۱۷۰
فصل ۱۲: همبستگی با کشورهای عربی.....	۱۷۳
۹۴-اقبال عظمت گذشته اعراب مسلمان را به آنان تذکر می‌دهد.....	۱۷۵
۹۵-عملکرد وارونه سران وابسته اعراب.....	۱۷۶
۹۶-پیوند با کشورهای عربی.....	۱۷۷
۹۷-اقبال اعراب مسلمان این عصر را مانند صدر اسلام می‌خواهد.....	۱۷۸
۹۸-اقبال اعراب را از گرایش به غرب بر حذر می‌دارد.....	۱۷۸
۹۹-حرفی چند با امت عربیه.....	۱۸۱
۱۰۰-وهابیت فتنه و بدعتی خطرناک و زیان آور در سنت محمدی.....	۱۸۲
۱۰۱-زادگاه و انتشار آئین وهابیت.....	۱۸۳
۱۰۲-گرایش و جهت اعتقادات وهابیت.....	۱۸۴
۱۰۳-قتل عام کربلا.....	۱۸۴

۱۰۴-کشتار مردم طائف	۱۸۵
۱۰۵-محاصره و هجوم به مدینه	۱۸۵
فصل ۱۳؛ مثنوی سوره اخلاص	۱۸۷
۱۰۶-تفسیری سیاسی اجتماعی اقبال از سوره اخلاص	۱۸۹
۱۰۷-قل هو الله احد (یگانه و بی همتا باشید)	۱۸۹
۱۰۸-الله الصمد (بی نیاز باشید)	۱۹۱
۱۰۹-لم ild و لم یولد (ارزشی را از دست ندهید و از غیر و بیگانه چیزی نخواهید)	۱۹۴
۱۱۰-لم یک له کفو احد (در جهان بی نظیر باشید)	۱۹۷
فصل ۱۱؛ انا الحق	۱۹۹
۱۱۱-حلاج واقف برای باری انسان ها تلاش نمودند	۲۰۱
۱۱۲-انا الحق چیست؟	۲۰۲
۱۱۳-ملت نمونه ای که نان مرتبه الحق است	۲۰۵
۱۱۴-هیچ ملتی بدون نفی طاغوت و رئیس به حق، به موفقیت نمی رسد	۲۰۷
۱۱۵-تمام موفقیت اعراب صدراسم از آفرینش لاله بود	۲۰۹
۱۱۶-ملت روس روزی از این جنون خود امانت ساخت !!	۲۱۰
فصل ۱۵؛ جامعه ایده آل اقبال	۲۱۳
۱۱۷-مفهوم وطن پرستی (ناسیو نالیسم، ملی گرایی)	۲۱۵
۱۱۸-وطن پرستی، برادری را از بین می برد!!	۲۱۶
۱۱۹-اولین بار ماکیاوول تخم وطن پرستی را در جهان پاشید!!	۲۱۶
۱۲۰-در خاکدان ملی گرایی مدفون نشوید!!	۲۱۷
۱۲۱-منظور دین این است که جان پاک آدمی آگاه شود	۲۱۸
۱۲۲-مرکزیت ملت اسلام	۲۱۹
۱۲۳-تغییرات در شهر مکه!!	۲۲۱
۱۲۴-وطن اسلامی (سرزمین ایمانی و بی مرزمسلمانان)	۲۲۲
۱۲۵-ملت بیضاء (مدینه فاضله)	۲۲۵
۱۲۶-باید ملت محمدی نقش جهانی خود را بشناسد و به عهده گیرد!!	۲۲۶
۱۲۷-رسالت اُمت عادل	۲۲۸
۱۲۸-اقبال و خاتیم اقوام	۲۲۹

فصل ۱۶: توحید و خدا باوری	۲۳۱
۱۲۹- نقش توحید	۲۳۳
۱۳۰- اقتدار توحید در تربیت انسان	۲۳۴
۱۳۱- مسیر ترقی فرد و ملت	۲۳۵
۱۳۲- یاد و ارتباط با خالق جهان	۲۳۶
۱۳۳- حکمت و استواری تکالیف و فرائض مذهبی	۲۳۷
فصل ۱۷: گلشن راز جدید	۲۳۹
۱۳۴- تحلیل خیال مردم مشرق زمین در آستانه قرن بیستم	۲۴۱
۱۳۵- اقبال : سؤالات گلشن راز بر حسب نیاز زمان پاسخ می‌گوید	۲۴۲
۱۳۶- اقبال و شبستان : سر صد خودسازی انسان هستند	۲۴۴
۱۳۷- اقبال از ۱۵ مثال حینی هروی به ۱۱ سؤال پاسخ می‌دهد	۲۴۴
۱۳۸- سؤال اول : ریشه‌ها : تکرار آدمی از چیست ؟	۲۴۵
۱۳۹- سؤال دوم : رابطه تفکر اقبالان در طی سیر و سلوک معنوی کدام است ؟	۲۴۶
۱۴۰- سؤال سوم : من آدمی چیست : و ... در نمود نمودن به چه معنی است ؟	۲۴۶
۱۴۱- سؤال چهارم : مسافر و رهرو کیست ؟ و ... کسی مرد تمام (کامل) است ؟	۲۴۸
۱۴۲- سؤال پنجم : وحدت وجود چیست ؟ و ... چگونه موفق به شناخت آن می‌شود ؟	۲۵۰
۱۴۳- سؤال ششم : اگر معروف و عارف ذات پاک خداوند است پس نقش انسان در این میان چه خواهد بود ؟	۲۵۲
۱۴۴- سؤال هفتم : انا الحق چیست ؟ و چه رمزی در آن نهفته است ؟	۲۵۳
۱۴۵- سؤال هشتم : وصال ممکن به واجب چیست ؟ و واژه‌ها : قرب و بعد و بیش و کم در این ارتباط چه معنی و مفهومی دارد ؟	۲۵۵
۱۴۶- سؤال نهم : علم و آگاهی و نتایج و تأثیرات آن در روند رشد تحولات انسان چیست ؟	۲۵۸
۱۴۷- سؤال دهم : کدام جزء است که از کل بیشتر است ؟ چگونه می‌توان به آن جز رسید ؟	۲۶۰
۱۴۸- سؤال یازدهم : چگونه قدیم (آنکه قبلاً بود) با مُخَدَث (آنکه بعداً شد) دو چیز از هم جدا شدند . یکی عالم شد و آن دیگری خدا شد ؟	۲۶۲
فصل ۱۸: اسلام و مسلمانان	۲۶۵
۱۴۹- اوضاع قبل از بعثت	۲۶۷
۱۵۰- مسلمانان صدر اسلام	۲۶۸
۱۵۱- دوران انحطاط مسلمین	۲۶۹

۲۷۱.....	۱۵۲- رمز بقا و پایداری امت اسلامی در وحدت و اقتدار آنهاست
۲۷۲.....	۱۵۳- سیمای یک مُسْلِم
۲۷۲.....	۱۵۴- مُسْلِم، قهرمان و شاهکار فلسفه خودی اقبال
۲۷۵.....	فصل ۱۹: رهبرِ معنوی اسلام
۲۷۷.....	۱۵۵- رسولِ رحمت (ص)
۲۷۸.....	۱۵۶- ظهور پیامبر اسلام جان تازه‌ای در کالبد انسان‌ها دمید
۲۷۸.....	۱۵۷- پیامبر اسلام مظهر هدایت و حیات زندگی
۲۷۹.....	۱۵۸- مبعوثِ نبوت آخرین جام معرفت و عشق الهی
۲۸۱.....	۱۵۹- عشق به پیامبر اسلام (ص) سازنده مسلمانان است
۲۸۲.....	۱۶۰- پیامبر معشوقِ نهالِ رُقْلُوبِ مسلمین است
۲۸۳.....	۱۶۱- برای رهایی از استعمار و استبداد عصر از پیامبر اسلام جدا نشوید
۲۸۵.....	فصل ۲۰: صاحب‌دلان و ثقیل‌بران
۲۸۷.....	۱۶۲- با نائب حق بر جهان می‌توان مصلحت‌اندیشی کرد
۲۸۹.....	۱۶۳- فقر (نیاز) چیست؟ و فقیر (عاری) چگونه کسی است؟
۲۹۱.....	۱۶۴- فقر مؤمن، فقر کافر
۲۹۲.....	۱۶۵- پیر رومی، مرشد و مربی
۲۹۳.....	۱۶۶- داستان برخورد شمس و مولوی به روایت اقبال
۲۹۵.....	۱۶۷- فیضی که اقبال از مثنوی و افکار بلند مولوی دیده است
۲۹۷.....	۱۶۸- مولوی به سؤال اقبال جواب می‌گوید!!
۲۹۷.....	۱۶۹- سوار آشهَبْ دوران
۲۹۸.....	۱۷۰- مهدی موعود یک شخصیت جهانی است
۲۹۸.....	۱۷۱- برای تفرقه و تضعیف مسلمانان، روباه پیر، دست به مذهب‌سازی می‌زند!
۳۰۰.....	۱۷۲- علی و فرزندان علی
۳۰۱.....	۱۷۳- علی و خاندان علی، سرمایه عشق و ایمان مسلمین می‌باشند
۳۰۲.....	۱۷۴- علی ابو تراب، خاک را اکسیر می‌کند
۳۰۲.....	۱۷۵- علی مرتضی، در پی کسب رضای خداست
۳۰۲.....	۱۷۶- علی حیدر کُزار، با حملات مکرر خود امنیت را از دشمن ربوده است
۳۰۳.....	۱۷۷- علی یَدُ الله، دست او دست خداست
۳۰۳.....	۱۷۸- علی دروازه‌ی شهر علم نبی، تنها با نگاه علی، شهر علم نبی دیده می‌شود

۱۷۹-	امام حسین (ع) سرو آزادی	۳۰۳
۱۸۰-	حماسه حسینی برای مبارزه با استبدادی بود که بعد از نبی ظاهر شد	۳۰۴
۱۸۱-	ابراهیم بنیان گزار خانه ی توحید	۳۰۵
۳۰۷	فصل ۲۱: مقام و منزلت زن	
۱۸۲-	مقام و نقش زنان در استقرار نظام خانواده	۳۰۹
۱۸۳-	زن و مرد مکمل هم در نظام خانواده اند	۳۱۰
۱۸۴-	کدام زن قادر است تا فرزندان غیور تحویل جامعه دهد؟	۳۱۰
۱۸۵-	سرمایه اصلی یک ملت از فرزندان تندرست و سالم آن است	۳۱۱
۱۸۶-	ای نسبه سوز دین داری، آگاه باش که این عصر پر فتنه و تزویر است !!	۳۱۲
۱۸۷-	ای مادران! جهان خود را حفظ کنید	۳۱۲
۱۸۸-	زنان مطلوب مادران جامعه هستند	۳۱۳
۱۸۹-	ای زنان! نشان دهنده هوش و آزان، شما را از زیستن واقعی محروم می سازد	۳۱۴
۱۹۰-	در جامعه کوچک خانواده است که انسان به کمال می رسد	۳۱۵
۱۹۱-	اسرار حجاب بانوان	۳۱۶
۱۹۲-	حضرت زهراء الگوی کامل زنان مسلمان	۳۱۶
۱۹۳-	عزت، شأن و مقام سرور زنان عالم زهرا ی رسیده	۳۱۸
۳۲۱	فصل ۲۲: نوجوانان از منظر خود سازی، شخصیت و مسئولیت پذیری	
۱۹۴-	جوانان موتور تحرک و بالندگی جامعه هستند	۳۲۳
۱۹۵-	نوجوانان امروز و نگرانی های اقبال	۳۲۴
۱۹۶-	اخلاق و سلوک اجتماعی جوانان	۳۲۵
۱۹۷-	ارکان رهبری و هدایت جوانان	۳۲۷
۱۹۸-	جوانان با کراری و حماسه می توانند فردا را بیافرینند	۳۲۹
۱۹۹-	پیام به نوجوانان مسلمان	۳۳۲
۲۰۰-	جهان دیگری بیافرینید	۳۳۴
۳۳۵	فصل ۲۳: عصر من	
۲۰۱-	عصر من	۳۳۷
۲۰۲-	عصر جدید و سیاست های غرب	۳۳۸
۲۰۳-	انتقاد اقبال به سرمایه داری خشک و بیروح غرب	۳۳۸
۲۰۴-	غرب از مسلمانان به شهرت و آوازه رسیده است	۳۳۹

۲۰۵-	رئوس کلی آسیب‌های غرب به مسلمانان.....	۳۴۰
۲۰۶-	دانش حاضر.....	۳۴۱
۲۰۷-	دانش‌های جدید در غرب فاقد روح معنوی و نگاه عمیق زندگی است.....	۳۴۱
۲۰۸-	اصل دانش‌های کنونی اول از طریق وحی به مسلمانان و آنگاه به جهان رسید.....	۳۴۲
۲۰۹-	مقاصد و آثار دانش‌های مغرب زمین.....	۳۴۴
۲۱۰-	نقد جامعه تقلیدی که از خود چیزی ندارد!!.....	۳۴۵

فصل ۲۴: سیاست‌های دنیای امروز..... ۳۴۹

۲۱۱-	هش: اقبال در جلوگیری از نفوذ استعمار.....	۳۵۱
۲۱۲-	راه حل‌های اقبال برای رهایی از سیطره غرب بر سرنوشت مسلمانان.....	۳۵۲
۲۱۳-	مواظب غرب باشید و آزادی و دموکراسی او را جدی نگیرید!!.....	۳۵۳
۲۱۴-	آنچه را که در کشور سوداگری غرب می‌بینم!!.....	۳۵۴
۲۱۵-	نیاز به غرب پیدا نکند و با شک کور او به شکار نروید!!.....	۳۵۵

فصل ۲۵: موسیقی، نقاشی، هنر، هنرمندان..... ۳۵۷

۲۱۶-	اهمیت هنر و موسیقی.....	۳۵۹
۲۱۷-	موسیقی بردگان و غلامان.....	۳۶۰
۲۱۸-	نغمه‌هایی که با فطرت هماهنگند.....	۳۶۲
۲۱۹-	نقدی بر هنرنقاشی (مصور) متداول در غرب.....	۳۶۳
۲۲۰-	شک‌گرایی در علم و هنر غربی.....	۳۶۵
۲۲۱-	نقش و رسالت هنرمند در ارائه هنر متعهد.....	۳۶۷

فصل ۲۶: بیداری و تحول سیاسی و اجتماعی..... ۳۶۹

۲۲۲-	اقبال متفکری که به تحول و انقلاب می‌اندیشد.....	۳۷۱
۲۲۳-	خودسازی اولین قدم در تحول یک جامعه است.....	۳۷۲
۲۲۴-	همه امید اقبال به ایران و ایرانی است.....	۳۷۲
۲۲۵-	توانمند گردید تا نقش آفرین باشید.....	۳۷۳
۲۲۶-	دیدن، شنیدن، پریدن دگرآموز!!.....	۳۷۴
۲۲۷-	از خواب‌گران برخیزید!!.....	۳۷۵
۲۲۸-	انقلاب، ای انقلاب.....	۳۷۶
۲۲۹-	خود را بشناسید و به بازآفرینی خود اقدام کنید!!.....	۳۷۸
۲۳۰-	خطاب به جوانان ایرانی.....	۳۷۹

۲۳۱- ای نادان! به دنبال افرنگی!!	۳۸۰
۲۳۲- مناجات و استغاثه به درگاه خدای متعال	۳۸۱
فصل ۲۷: مسلمانان و انقلابات جهان در قرن بیستم	۳۸۳
۲۳۳- امت اسلامی براساس توحید، ایمان و برادری شکل گرفته است	۳۸۵
۲۳۴- شعله‌های انقلاب دنیا در مصاف با امت اسلامی تغییر جهت می‌گیرند	۳۸۶
۲۳۵- مسلمانان از هر لحاظ قادرند جلوی تهاجم غرب را بگیرند	۳۸۷
۲۳۶- انقلاب کمونیستی براساس مساوات شکم پایه ریزی شده است	۳۸۸
۲۳۷- در حال حاضر لیل مردم در ناله و فغان است سلطنت از شهد گل می‌خورد!!	۳۸۹
۲۳۸- نظر فایده‌دار به مقایسه پادشاهی با کمونیست	۳۹۰
۲۳۹- کمال مصطفی اتاترک به کدام دروغین غرب دلخوش کرده است!!	۳۹۱
۲۴۰- برای تشکیل یک جامعه به قرآن توجه کنید نه به غرب	۳۹۲
۲۴۱- اقبال گذشته پرافتخار مسلمانان را به اتاترک گوشزد می‌کند	۳۹۳
۲۴۲- هند، چاره‌ای جز انقلاب در پایه یک مرد زنده دل را ندارد	۳۹۴
فصل ۲۸: نگاه انتقادی به غرب	۳۹۷
۲۴۳- اقبال بدون تعصب و کینه به نقادی غرب می‌پردازد	۳۹۹
۲۴۴- اروپا (غرب، فرنگ، استعمار انگلیس) گرگ‌های در پوستین بره‌ها!!	۴۰۰
۲۴۵- اهداف غرب پنهان و برای کسب منافع بیشتر است	۴۰۰
۲۴۶- ظاهر غرب جذاب و زیباست، مبادا در جلوی بتخانه بسوزن شوید!!	۴۰۳
۲۴۷- نقدی بر جمهوریت و دموکراسی غربی	۴۰۴
فصل ۲۹: پس چه باید کرد ای اقوام شرق!!	۴۰۷
۲۴۸- برای استقلال واقعی باید به آگاهی‌هایی که ریشه در وحی دارند روی آورد	۴۰۹
۲۴۹- رهنمودهای اقبال به ملل آسیا در پرهیز از غرب	۴۱۰
۲۵۰- ریشه و آغاز دین و هنر از آسیاست	۴۱۱
۲۵۱- علت پیشرفت غرب چراغ علم و فن است!!	۴۱۲
۲۵۲- حکمت و عرصه‌های علم و هنر تنها با مجاهدت بدست می‌آید	۴۱۳
۲۵۳- باید روح شرق را در کالبد غرب دمید!!	۴۱۴
فصل ۳۰: راه رشد و موانع آن	۴۱۷
۲۵۴- همواره رشد و موانع آن در روند شکل‌گیری یک جامعه وجود دارد	۴۱۹

۴۲۰.....	۲۵۵- چراغ آرزو ، می تواند راه پیشرفت و رشد ملتی را روشن گرداند.....
۴۲۲.....	۲۵۶- برای رسیدن به بقا دست به خودسازی و تعمیر خود بزنید.....
۴۲۳.....	۲۵۷- جنگ و صلح.....
۴۲۴.....	۲۵۸- سؤال و احتیاج.....
۴۲۵.....	۲۵۹- امید و ناامیدی.....
۴۲۶.....	۲۶۰- خنجر بیم و هراس.....
۴۲۷.....	۲۶۱- تش غم و اندوه.....
۴۲۹.....	واژه نامه.....
۴۶۷.....	منابع مآخذ کتاب.....

پیشگفتار

من که این شب را چه آراستم گرد پای ملت بیضاستم
ملت‌ی در باغ و راغ آراهن آتش دل‌ها سرود تازه‌اش
ذره کشت و آفتاب ابرار کرد خرمن از صد رومی و عطار کرد
ملت بیضاتن و جان لا اله ساز ما را پرده گردان لا اله

سرگذشت و افکار و آثار نظم و نثر اقبال نشان می‌دهد که او به اصرار زیادی در صدد طرح یک کشور نمونه که دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند به تقویت انسانیت خود در جهان واقف باشد می‌اندیشیده است و فلسفه خودی او که همه افکار اقبال بر تالیف و نظامندی آن ریخته شده است تشکیل همین جامعه‌ای است که اقبال آن را ملت یا جامعه بیضاء می‌نامد. اندیشه ایجاد یک جامعه اسلامی برای اقبال که در هند قبل از استقلال متباد شده بود و فرماندار پنجاب سرزمین محل زندگیش را یک انگلیسی می‌دید دارای حائز اهمیت است. و بهمین خاطر با سعی فراوان و کوشش بسیار در پی نمایاندن چنین کشوری با مشخصاتی که او از قرآن و افکار ایرانیان و تجربیات در غرب بدست آورده بود بر می‌آید. درست در زمانی که اکثر خبرگان مسلمان استبداد پادشاهی را سایه خدا می‌دانستند و بندرت در پی این بودند که کشوری بر اساس معیار و سنت رسول خدا و تجربیات جدید بنا نهند. و اگر افکار سیاسی و اجتماعی افرادی که صاحب انقلاب و تحول بودند و در عصر اقبال می‌زیستند با هم مقایسه کنیم در جهان اسلام افکار اقبال یک استثناست.

بعد از جنگ جهانی دوم تقسیمات جدیدی در صحنه جهانی توسط قدرت‌های پیروز جنگ بوجود آمد که بلاد اسلامی در رهگذر این سیاست‌های یکجانبه و سلطه‌گرایانه دستخوش تغییر و تحول اساسی شد. کشورهای مسلمان جدیدی به نام‌های گوناگون در آسیا و آفریقا ایجاد شد که همه در راستای سیاست و خواست قدرتهای اروپایی و آمریکا بود که مردم در انتخاب مسئول حکومت و نظام اداری و پارلمانی و سایر بخش‌های فرهنگی و اقتصادی آن مشارکت و دخالتی نداشتند. و بتدریج تمام رفتارها و خط مشی‌ها بر اساس سیاست‌های قدرت‌های فائق جهانی که انگلیس، فرانسه و آمریکا در رأس آن بودند شکل می‌گرفت. و آنچه را که به نام کشور و حاکمیت و نظام بود و دیده می‌شد به انتخاب و خواست مردم رانده از آن‌ها بر اساس دموکراسی غرب اداره نمی‌شد. و اگر نظام پادشاهی یا رئیس‌جمهوری یا امری و یا شکل‌های دیگر بود مردم در آن هیچگونه دخالتی نداشتند و تعیین‌کننده نبودند. و این وضع تا این لحظه ادامه دارد.

اقبال در چنین فضایی که چنین رنگ و بوی استعماری دارد و انسان آزاد نیست تا بتواند به آن شکلی که می‌خواهد کشورش را اداره نماید و سرنوشت خود را بدست گیرد. از حکومتی اسلامی با اعتقادات قرآن و رعایت سبک نبوی و مشخصات و چهارچوب‌هایی که او برمی‌شمرد به مدیران آن زمان ارائه می‌دهد و این در نوع خود بی‌نظیر است. چون سرزمین اعتقادی و واقعی اقبال نمی‌توانست آن مقدار کمی شد که به نام وطن شکل می‌گرفت و انسان‌ها بدون اینکه با هم از نظر فکری و ایمانی ارتباطی داشته باشند در چنین جامعه‌ای زندگی کنند. بلکه او از یک سرزمین آرمانی و متمدنی صحبت می‌کند که همه مسلمانان را بنام امت در بر می‌گرفت که رهبر معنوی آن رسول اکرم محمد مصطفی (ص) است و مرکزش بیت الله الحرام، مکه معظمه است. در حقیقت اقبال همه مسلمین را در یک کشور بی‌مرز مسلمانی می‌خواست که با نیروهای معنوی و الهی بتوانند صدای اسلام و معنویت را به گوش عالم برسانند. و به مسئولیت خود جامه عمل بپوشانند. چون آیات قرآن که وحی الهی در آن حقایق را ترسیم نموده است توسط یک ملت نمونه و اسوه به جهان شناسانده می‌شود و از عهده یک فرد و یا یک گروه کوچک بر نخواهد آمد. مردم مسلمان هندوستان در عصر استعمار انگلیس از چند طریق تحت فشار روحی و روانی و عدم امنیت و بی‌هویتی روبرو بودند :

۱- تا زمان حکومت اکبر شاه گورکانی، مسلمانان در سطح مطلوب مدیریتی جامعه هند بودند و زبان فارسی به شکل رسمی رواج داشت. ولی انگلیسی‌ها برای ایجاد تفرقه و تضعیف مسلمانان، هندوها را تقویت می‌نمودند و آنها را بر علیه مسلمانان می‌شوراندند و این بسیار دردناک بود!!

۲- انگلیسی‌ها بعد از ورود به هند مسلمانان را مقابل خود دیدند و اعتراضات آنان مانع اداره هند شده بود و بهمین خاطر غیر از هندوهای افراطی که با مسلمانان درگیر شدند، کمه پویشان انگلیس دشمنی بر دشمنی‌های قبلی افزود و آتش این کینه‌ها را بر خروخت.

۳- در میان مسلمانان، جبران آنان چند دستگی وجود داشت و هر کسی بدنبال تفکری که داشت سیاست‌های انگلیس را توجیه می‌کرد. بعضی با تندرویها موافق بودند و جنگیدند و بعضی دیگر با مسالمت و همکاری موافق بودند. و بهمین لحاظ مسلمانان روز به روز ضعیف می‌شدند.

رهبران هند خواه هندو یا مسلمان در ابتدای مبارزه برای استقلال هند به وحدت هندو و مسلمان می‌اندیشیدند و دموکراسی غربی را پایه این مسالمت و همزیستی در جامعه واحد هند قرار داده بودند ولی بعداً از این نظر رگشت و چون خود را مسلمان می‌دانستند و این وجه فراق را بوضوح مشاهده کردند به کشور و جامعه متعلق که به مسلمانان تعلق داشته باشد در محاسبات آنان قرار گرفت که ظاهراً اقبال در این گونه افراد می‌باشد و حتی در پایان عمر که اقبال در بستر بیماری با جواهر لعل نهرو که به نخست‌وزیری و رئیس کابینه هندوستان انتخاب می‌شود مذاکره و موضوع را مطرح می‌کند ولی اوبا این فکر مخالفت می‌کند!!

برون کشید ز پیچاک هست و بود مرا	چه عقده‌ها که مقام رضا گشود مرا
تپید عشق و درین گشت نابسامانی	هزار دانه فرو کرد تا درود مرا
ندانم اینکه نگاهش چه دید در خاکم	نفس نفس به عیار زمانه سود مرا
جهانی از خس و خاشاک در میان انداخت	شراره‌ی دلکی دارد و آرمود مرا
پیاله گیر ز دستم که رفت کار از دست	کرشمه بازی ساقی ز من ربود مرا

اهدافی را که اقبال برای جامعه‌ی بیضاء بیان می‌کند به مسئولیت آن می‌افزاید و چون این ملت پیرو آخرین پیامبرو کامل‌ترین شرایع است نقش جهانی و مؤثری را برای او تعریف می‌نماید و از این ملت می‌خواهد که خود را به تحولات دنیا برساند و بر اساس نقشی که به عهده‌ی او گذاشته شده است برخیزد و تار او را به لرزش درآورد. چون هدف اصلی بودن ملت بیضا حفظ و نشر توحید و نفی شرک است. و او می‌خواهد تا زمانی که بانگ حق سراسر عالم را فرا نگرفته است از رسالت و مسئولیت مسلمانی یک لحظه نیاساید. برای اینکه امت عادل که عامل اجتماع‌ی را در جهان بگستراند خطاب به تو آمده است. و تو شاهد و نمونه‌ی کاملی از اقوام و ملل جهان هستی. و بزرگ‌ترین رسالت تو این است که افراد نکته سنج که تشنه‌ی حقایق می‌باشند به پیغام و علوم‌ی را که پیامبر اُمّی (ص) آورده است آگاه سازی.

در اینجا اقبال به عنوان یک دلسوز و موشکاف حقایق که به استعدادها و تعهدات یک مسلمان واقف است از او می‌خواهد حال که مرغ بوستان ما هستی و با ما همصدا و هم‌زبان می‌باشی. اگر نغمه و هنر داری به تنهایی آن را به حرکت در نیاور بلکه در این بوستان وارد شو و برای ما آن استعدادها و توانمندی‌ها را نشان بده. از زندگی خود هر سرمایه‌ای که داشته باشی چون با جامعه ناسازگار باشد و در خدمت آن قرار نگیرد بزودی آن هنرمندی‌ها در تو خواهد مُرد. و اگر بلبل هستی به پرواز درآی و نغمه‌ای را ساز کن. و اگر عقاب هستی و از قدرت پرواز و شکار برخورداری در عمق دریای جهان نشسته بلکه به صحرای ما بیا و پرو بالی نشان بده. و اگر ستاره و کوکبی هستی! برگردون ما بتاب و از سرزمین و مردم خود پا فراتر مگذار.

در نظریه‌ی اقبال از آنجائیکه پیامبر اسلام خاتم الانبیاء است بنا به‌ای که بر اخوت و برادری بنا نهاده است کامل‌ترین جامعه را تشکیل می‌دهد و لذا هدایتی توجه‌ها به سوی این الگویی است که در صدر اسلام با دست مبارک ختم رسولان خدا در مدینه تشکیل گردیده است و اقبال به آن جامعه‌ای که خود معمار و طراح آن در آستانه قرن بیستم بحساب می‌آید از همین امت نمونه پیامبر الگو برداری نموده است.

اقبال برای تشکیل جامعه‌ای که از اسلام اقتباس گردیده است امیدهای زیادی بسته است و همه‌ی هستی خود را در خدمت آن قرار داده است و حتی می‌گوید حاضرم خودم را مثل یک جوی آب رونده به صحن و سرای تو باندازم و آبیاری نمایم. برای آنکه تو ملتی

هستی که محبوب حضرت مصطفی (ص) می‌باشی و پیامبر خدا (ص) برای برپایی تونج‌ها کشیده است و ما تو را مانند دل در کنار خود می‌گیریم و عزیز می‌داریم.

اقبال از شدت علاقه به چنین جامعه‌ای می‌گوید: آماده‌ام تا مثل شکفتن یک گل سینه‌ی خود را برای تو بشکافم و همه‌ی استعدادهای درونی خود را در اختیار تو بگذارم. تا بتوانی خود را بهتر ببینی و عاشق خود شوی و این افتخار برای همه‌ی مسلمین خواهد بود.

اقبال به اثر بخشی عشق و محبت آگاهی کامل دارد و آن را لازمه‌ی یک جامعه‌ی سربلند می‌شمارد. منتقد است که عشق خاک و خاشاک را از رزمند می‌کند و بالا می‌برد. البته آن عشقی که داغی چون سرخی لاله در خود می‌پرورد و در گریبان خود ناله‌ی عاشقانه و مشتاقانه سر می‌سازد. واقعاً چنین عشقی که باعث پویایی و تحرک مردم یک جامعه می‌گردد مانند دست‌های دلبسته او هدیه می‌دهد و به او سفارش می‌کند که آن را سرلوحه‌ی فعالیت و شناسایی خود قرار دهد تا شناخته شود و از خواب گران بیدار گردد.

داشتن جامعه‌ی سالم و مردم دانا و داناوار حکومت صالح، بزرگ‌ترین دغدغه‌ی بشریت در طول تاریخ بوده است و در این ارتباط فلاسفه حکما مثل ارسطو (معلم اول) و ابو نصر فارابی (معلم دوم) جامعه‌ای که مورد تأیید آنان بود «**عنوان مدینه‌ی فاضله**» مطرح می‌ساختند و خواهان چنین جامعه‌ای می‌شدند و اقبال بعنوان یک فیلسوف و حکیمی که دلبسته‌ی اسلام است و نجات ملت خود را در آن می‌بیند در باب «**فکرات و تحقیقات عمیق خود**» جامعه‌ی ایده‌آلی را تحت نام **ملت بیضاء** تشریح می‌نماید. و هدف او نشان دادن عظمت ملتی است که با خردمندی‌ها و گرایشات صحیح و دین باوری خردگرا، پایه‌های توحید و رسالت محمدی (ص) است جامعه سعادت‌مندی را بوجود آورند.

بیضاء در لغت مؤنث ابيض است و به معنی سپید و روشن می‌باشد در قرآن مجید در آیات (۱۰۸/اعراف، ۲۲/طه، ۳۳/شعرا، ۱۲/نحل، ۲۲/قصص، ۴۶/صافات) اشاره به یکی از معجزات حضرت موسی شده است و آن چنان بود که وی دست خود را از بغل بر می‌آورد و آن مثل آفتاب می‌درخشید و تعبیر اقبال که جامعه ایده‌آل خود را ملت و جامعه بیضاء می‌نامد منظور جامعه‌ای است که نورانی است و از نور معنوی و هدایت و سعادت همچنانکه موسای پیامبر برخوردار بود بهره‌مند است و در جهان به لحاظ داشتن صفات انسانی و بر جستگی‌های رشد و پیشرفت می‌درخشد.